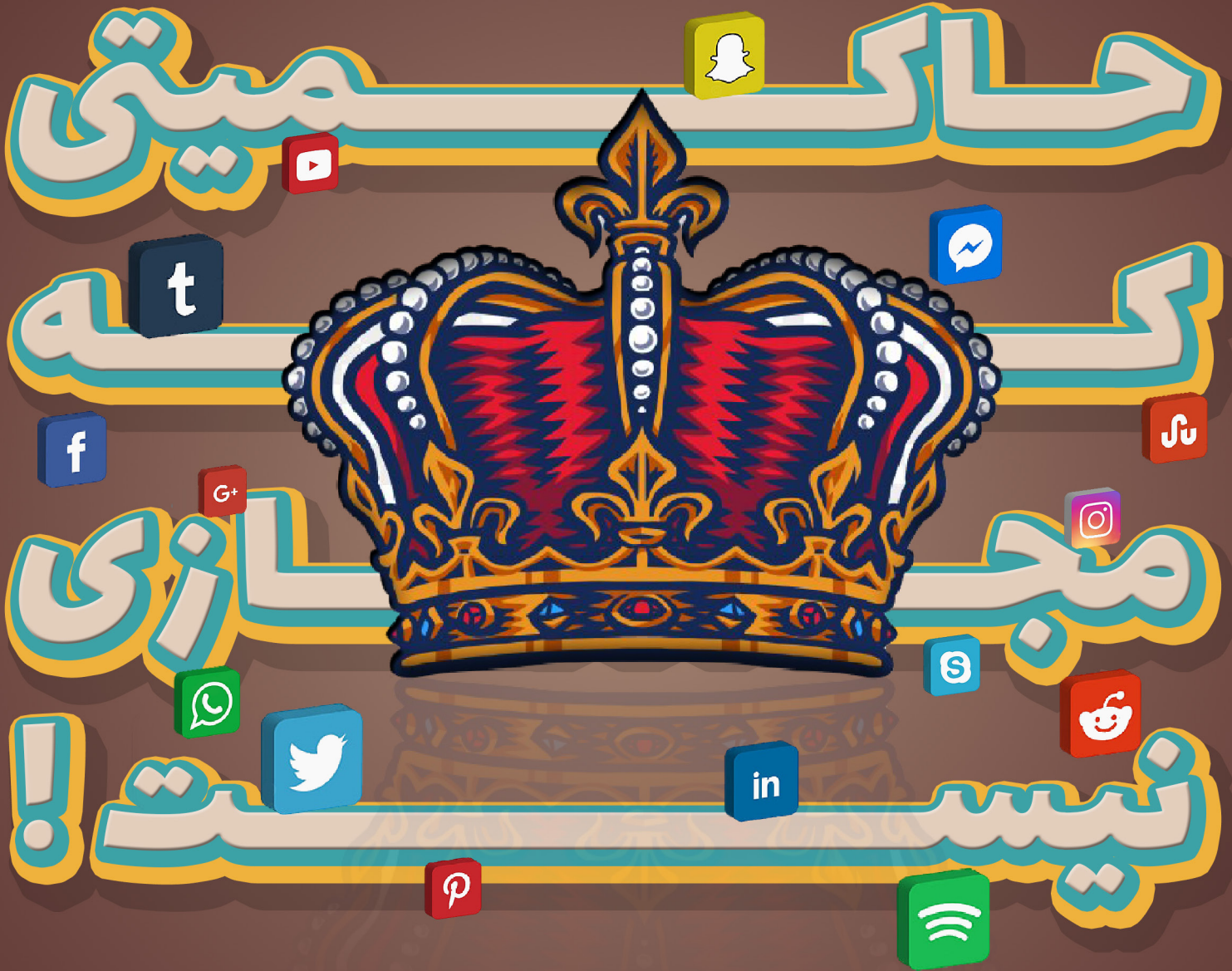




گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی طنین
دانشکده ارتباطات انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
سال دوم، شماره چهارم | آبان ۱۴۰۰



«« در این شماره از نشریه می‌خوانید:

رسانه نظارت می‌خواهد <

پیام آوری دانشجو در وادی فرهنگ <

رساَبَلَه، رسانه <

حل روبیکای شبکه ملی اطلاعات <



گاهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی طنین
سال دوم، شماره چهارم | آبان ۱۴۰۰



فهرست

- ۴ پیام‌آوری دانشجو در وادی فرهنگ
- ۶ حل روبیکای شبکه ملی اطلاعات
- ۸ حاکمیتی که مجازی نیست
- ۱۰ رسانه نظارت می‌خواهد
- ۱۲ رسابله، رسانه

شناسنامه

صاحب امتیاز: دانشکده ارتباطات انجمن اسلامی
دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیر مسئول و سردبیر: سیدمحمد مهدی سیدی

هیئت تحریریه: زینب اعرابی، علیرضا خلیل‌زاده،
دنیا مرادیان، سیدمحمد مهدی سیدی، سحر
معصوم‌زاده

ویراستار: زینب عشوریان

صفحه‌آرا: سحر معصوم‌زاده

پیام آوری دانشجو در وادی فرهنگ



علیرضا خلیلزاده

عضو فعال دانشکده مدیریت

در وهله اول من باب اهمیت کار در حوزه رسانه و قدرت بالای دانشجویان باید بگویم که امروزه مهم‌ترین ابزار جنگ در دنیا رسانه است و حتی قدرت‌های بزرگ هم با رسانه‌ها کار می‌کنند. اکنون قدرت رسانه‌ها، تلویزیون، هنر و شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح، موشک و بمب اتم هم بیشتر است. اما متأسفانه امپراتوری خبری و رسانه‌ای دنیا، در انحصار کسانی است که آنها برای دنیا فضیلت اخلاقی، دین، ایمان، معنویت و صلح را نمی‌خواهند. قبل از انقلاب وقتی ما با جوان‌های مؤمن دانشجو مواجه

عامی که عالم هم نیستند، ارزش و جذبه‌ی بیشتری دارد.

(۲) هنر: راجع به هنر واقعاً هرچه بگویم، کم گفته‌ام. من بارها گفته‌ام که باید به هنر اهمیت داد و بایستی آن را روزبه‌روز اعتلا بخشید. باید شکل فاخرهنر را انتخاب کرد. بدون هنر، حتی حرف عادی هم جای خودش را در ذهن کسی پیدا نمی‌کند، چه برسد به این‌که جذابیت داشته باشد و جاگیر و ماندگار شود. هنر برای گسترش یک فکر درست یا نادرست، مهم‌ترین وسیله است. هنر به‌تنهایی یک وسیله، یک ابزار و یک رسانه است.

می‌شدیم آنها با ما در ارتباط بودند. مسجد ما می‌آمدند، خانه ما می‌آمدند و در مجامع ما شرکت می‌کردند. می‌دیدیم اینها به برکت روشنفکری نو و پیشرفته‌ی اسلامی، در محیط دانشگاه حرف برتر را می‌زنند. فعالان چپ آن روز در مواجهه‌ی با اینها می‌ماندند؛ این یک واقعیت بود. شما نباید قدرت خود را دست‌کم بگیرید.

من در باب یک رسانه قوی و کارآمد می‌خواهم بر دو نکته‌ی بخصوص تکیه کنم:

(۱) تحقیق: کار تحقیقی خیلی مهم است. کاری که عالمانه و از روی تحقیق باشد، حتی برای مردم

حالا آن چیزی که من در پاره کشور خودمان می‌توانم به‌عنوان ویژگی‌های یک دانشجوی انقلابی از قیل انقلاب تا اوان انقلاب بگویم این ۶ مؤلفه است:

خصوصیت اول آرمان‌گرایی در برابر مصلحت‌گرایی است. یعنی عشق به آرمان‌ها و مجذوب آرمان‌ها شدن. انسان وقتی در محیط کار و زندگی قرار می‌گیرد گاهی موانع جلوی چشم او را می‌پوشانند و آرمان‌ها را غیرقابل‌دستیابی نشان می‌دهند و این خطر بزرگی است. در محیط جوان، آرمان‌ها محسوس، ملموس، زنده و قابل‌دسترسی و دستیابی است؛ لذا برای آنها تلاش می‌شود که خود این تلاش ولو بدون نتیجه تلاش مبارکی است.

خصوصیت سوم، آزادی و رهایی از وابستگی‌های گوناگون حزبی و سیاسی و نژادی و ... است. در مجموعه حرکت دانشجویی، انسان می‌تواند این خصوصیت را مشاهده کند که این هم یک شعبه از همان مصلحت‌گرایی است. غالباً در اینجا از تقیداتی که معمولاً مجموعه‌های گوناگون سیاسی و غیرسیاسی برای افراد خودشان فراهم می‌کنند، خبری نیست. جوان حوصله این قیدوبندها را ندارد؛ لذا در گذشته پیش از انقلاب، احزابی بودند و کارهایی می‌کردند؛ اما به دانشگاه که می‌رسیدند، ضابطه از دستشان در می‌رفت! ممکن بود چهار نفر عضو هم یارگیری می‌کردند، اما نمی‌توانستند انضباط‌های موردنظر خودشان را در محیط دانشجویی به‌درستی اعمال کنند؛ زیرا دانشجو بالاخره در جایی به اجتهاد می‌رسد.

پنجمین خصوصیت که مهم‌ترین خصوصیت است این است که در مقابل مظاهری که از نظر فطرت انسانی زشت است حساسیت منفی دارد و آن را دفع می‌کند. در اول انقلاب گروه منافقین توانستند با استفاده از فرصت انقلاب در جوانان نفوذ کنند اما وقتی معلوم شد که این افراد منافق هستند همه جوانان روی برگرداندند.

خصوصیت دوم، صدق و صفا و خلوص است. در حرکت دانشجویی کلک، تقلب، حيله و شیوه‌های غیرانسانی که معمولاً در جامعه به کار می‌رود، کم‌رنگ است و یا به طور طبیعی وجود ندارد. در محیط معمولی زندگی، سیاست، تجارت و در محیط بده‌بستان‌های اجتماعی، هر کس هر حرفی که می‌زند، مواظب است ببیند از این حرف چه نصیب او می‌شود و چه چیزی را از دست می‌دهد. حالا بسته به این است که چقدر زرنگ، چقدر پشت هم‌اندازه و چقدر عاقل باشد. اما در محیط حرکت دانشجویی، نه؛ حرف را برای خوب بودنش، درست بودنش، جذبه داشتنش برای خود و برای حقیقت، بیان و دنبال و تعقیب می‌کنند.

مبتنی بر اشخاص نبودن است. این خصوصیت در بین دانشجویان امروز هست. ده سال پیش هم بود. ده سال بعد هم خواهد بود.

و آخرین خصوصیت دانشجویان این است که بر حرکت دانشجویی و این پدیده ذاتی محیط دانشگاه فقط احساسات حکومت نمی‌کند؛ بلکه ضمن این که احساسات هست، منطق و تفکر و بینش و تحصیل و میل به فهمیدن هم در آن وجود دارد. البته شدت و ضعف دارد؛ گاهی کم و گاهی زیاد. همیشه به خود و به مخاطبانم گفته‌ام: افق، روشن است و امروز تأکید می‌کنم که افق، بسیار روشن و درخشان است و کار، دست شماست؛ دست شما جوانان.

حل رویه‌گای

شبکه ملی اطلاعات



سحر معصوم زاده

دبیر آموزش دانشگاه

شبکه ملی اطلاعات چه چیزی نیست؟

متأسفانه شبکه ملی اطلاعات نیز مشابه بسیاری از مسائل در ایران، در ذهن اکثر مردم اعم از تحصیل کرده و عوام با تعاریف غلط جا افتاده است. این مسئله موجب شده اکثر مردم بدون اطلاع دقیق از چیستی، زیرساخت‌ها، مزایا و حتی نقدهای وارده به این شبکه، صرفاً با پیش‌فرض منفی ساخته شده‌ی رسانه‌ها با آن مخالفت کنند. شبکه ملی اطلاعات به عنوان زیرساخت ارتباطی کل فضای مجازی، شبکه پایه همه شبکه‌های کشور است. «استقلال» به عنوان بارزترین مفهوم در این تعریف بدان معناست که دسترسی به اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند به هیچ وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نمی‌شود و شبکه اینترنتی امنی در داخل کشور ایجاد شود. ناگفته نماند که شبکه ملی اطلاعات به معنای جایگزین اینترنت یا محدود کردن آن نیست بلکه نوعی گردش اطلاعات در بستر داخلی است. در این طرح محتواهای مورد استفاده‌ی مردم اعم از فیلم، سریال، پیام‌رسان‌های مختلف و... وارد بسترپهنای باند داخلی می‌شوند تا ۴ فاکتور امنیت، سرعت و کیفیت بالا و ارزان‌تر بودن خدمات برای کاربران محقق شود.

ضرورت کار

ضرورت این کار با تاملی کوچک بر میزان اثرگذاری سرورهای خارجی و تاثیرپذیری ایران در ابعاد مختلف از جمله فرهنگی، سیاسی، اقتصادی قابل پذیرش است.

شدن افراد، امنیت کشور نیز دارد و این مسئله منحصر به ایران نیست و حتی در کشوری بر فرض خیال ابرقدرت آمریکا نیز صادق است؛ کشوری که دخالت چشمگیری در مدیریت اینترنت دارد هم از آسیب‌های این مسئله در امان نیست حال به نظر شما کشوری چون ایران در غرب آسیا با تموم شرایط جهانی و منطقه‌ای و داشتن دشمنان کثیری که کوچک‌ترین فرصتی را برای لطمه‌زنی به کشور و مردم جمهوری اسلامی ایران دریغ نمی‌کنند، چه شرایطی در این مختصات رسانه‌ای خواهد داشت؟

تکه مغفول پازل شبکه ملی اطلاعات بعد اقتصادی آن است، که در شرایط وخیم اقتصادی و تحریمی ایران اهمیت آن را دو چندان کرده است. تجربه‌های متعدد جهانی گویای آن است که در بین تمام شاخص‌های

توسعه ICT (فناوری اطلاعات و ارتباطات)، توسعه باندهن بیشترین اثرگذاری را بر شاخص‌های کلان اقتصادی دارد.

ایجاد شبکه ملی اطلاعات علاوه بر افزایش تولید تاثیر بسزایی نیز در ایجاد اشتغال دارد؛ زیرا عمده فعالیت‌های مورد نیاز برای ایجاد این شبکه، نیازمند تعداد نیروی انسانی قابل توجهی است و در همین راستا می‌توان فارغ التحصیلان زیادی را جذب بازار کار کرد. این در

حالی است که به گفته مسئولان وزارت ارتباطات سالانه ۸۰ درصد از فارغ التحصیلان رشته‌های آی‌تی و کامپیوتر به خاطر نداشتن شغل از کشور مهاجرت می‌کنند. همچنین با شیوع ویروس کرونا فراگیری بیش از پیش آموزش مجازی و استفاده

از رسانه‌های خارجی موجب شده روزانه حجم بسیاری زیادی از نقدینگی از کشور خارج شود؛ در حالیکه با اجرای شبکه ملی اطلاعات این نقدینگی در داخل کشور صرف خواهد شد.

موارد مذکور صرفاً گوشه‌ای از تبعات تحقق یا عدم تحقق شبکه ملی اطلاعات است، که باید هر چه سریع‌تر جهت پیشگیری از هضم شدن در سونامی آسیب‌ها

چاره‌ای اندیشید. چندی است در همین راستا طرحی با عنوان «حمایت از حقوق کاربران» در مجلس مطرح است که امید است در صورت تصویب، به عنوان قانون اجرایی نقش پررنگی در تحقق برنامه‌ی کلان شبکه ملی اطلاعات داشته‌باشد.

شبکه ملی اطلاعات به معنای

جایگزین اینترنت یا محدود

کردن آن نیست بلکه نوعی

گردش اطلاعات در بستر داخلی

است. در این طرح محتواهای

مورد استفاده‌ی مردم اعم از

فیلم، سریال، پیام‌رسان‌های

مختلف و... وارد بسترپهنای

باند داخلی می‌شوند تا ۴ فاکتور

امنیت، سرعت و کیفیت بالا

و ارزان‌تر بودن خدمات برای

کاربران محقق شود.



مجازی نیست! حاکمیتی که



سید محمد مهدی سیدی

دبیر دانشکده ارتباطات

آگانت شما مسدود شد!

احتمالاً بسیاری از ما با این پیام در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده‌ایم. حال به دلیل قرار دادن تصویر حاج قاسم باشد و یا هر دلیل دیگری که خلاف خط و مشی این شبکه باشد. اگر روزی با این پیام مواجه شدید به شما تبریک می‌گویم؛ شما اعمال حاکمیت شدید، شما فیلتر شدید. این امر بدین معنی است که مالک آن شبکه اجتماعی تیغ حاکمیت خود را ذیل قوانینی که وضع کرده است بر آگانت شما نهاده است. قوانینی که شما در هنگام نصب اپلیکیشن آن را پذیرفته‌اید. هر اپلیکیشن، نرم‌افزار، وب سایت و... در بستر اینترنت تنها به شما اجازه می‌دهد ذیل قوانین آن فعالیت کنید و هر عمل خارج از چارچوب آن با سخت‌ترین برخورد (حذف حساب) مواجه خواهد شد. همانگونه که این امر برای ما پذیرفته شده است و آن را احتمالاً منطقی قلمداد می‌کنیم کشورهای مختلف نیز همواره درصددند تا حاکمیت خود را بر فضای مجازی اعمال کنند. بدین معنی که اگر قرار است خدمات دهنده‌ای در دایره جغرافیای مجازی آن کشور فعالیت کند باید قوانین آن حاکمیت را بپذیرد. این امری

است که به آن حاکمیت مجازی اطلاق می‌شود.

مدل‌های حکمرانی مجازی

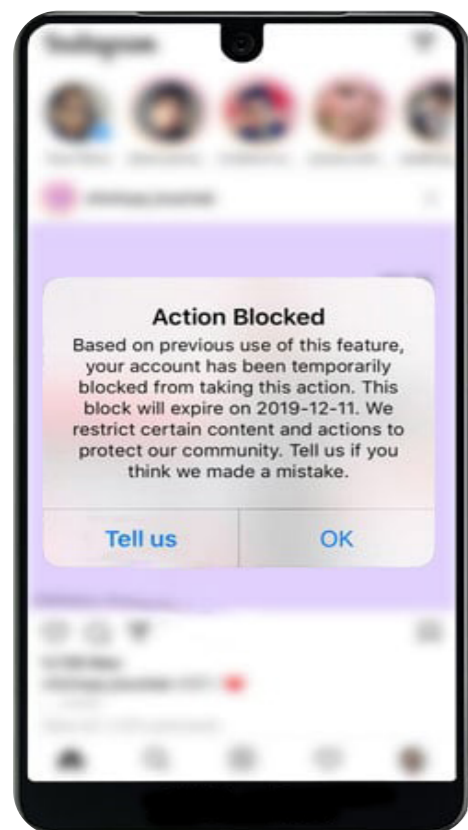
کشورهای مختلف انواع متفاوتی از حاکمیت مجازی را در کشور خود پیاده‌سازی می‌کنند. اولین مدل حکمرانی متعلق به آمریکا است. ایالات متحده به عنوان مالک اینترنت بین‌الملل و ابرقدرت جهانی حاکمیت خود را با ایجاد ابر پروژه‌ها اعمال می‌کند؛ بدین صورت که با سرمایه گذاری کلان و ایجاد خدمات دهنده‌های عظیم، قدرتمند و تحت حاکمیت خود عمده کاربران را جذب کرده و عملاً اجازه دیده و بزرگ شدن به سایر خدمات دهندگان نمی‌دهد. همانند کاری که نتفلیکس در ایالت متحده انجام می‌دهد. هرچند در سال‌های اخیر این کشور پارا فراتر گذاشت و از قدرت حاکمیت خود برای حذف رقبا استفاده کرد؛ همانند کاری که با شبکه اجتماعی چینی Likee در آمریکا صورت گرفت و مسدود شد. نوع دیگر حاکمیت سایبری مدلی است که در کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا اعمال می‌شود. این کشورها با وضع قوانین متعدد و سختگیرانه، سعی می‌کنند فضای مجازی را به کنترل درآورند.

برای مثال در سال ۲۰۱۶ مقررات عمومی حفاظت داده‌ها یا همان GDPR توسط اتحادیه اروپا با هدف حفاظت از اطلاعات شهروندان و صیانت از آنان به تصویب رسید. در مثالی دیگر کشور انگلستان اینترنت خود را سطح بندی کرده و امکان دسترسی افراد با سنین مختلف به اینترنت را محدود کرده است. مدل سومی که برای حاکمیت مجازی وجود دارد سیستم حکمرانی‌ای است که در چین حاکم است. برخلاف آمریکا که فضای مجازی خود را در بستر جهانی تعریف می‌کند چین تصمیم گرفته است که رویکردی تماماً ملی اتخاذ کند. بدین معنی که حکومت سعی می‌کند نسخه ملی و بومی شده خدمات را به مردم خود ارائه دهد. چین موتور جستجوگر ویژه خود (Baidu)، شبکه اجتماعی ویژه خود (WeChat) و حتی اینترنت جدای از شبکه جهانی و ویژه خود را ایجاد کرده است. محیطی که در بستری مستقل و تحت کنترل حکومت، امکان حاکمیت فضای مجازی را فراهم می‌کند.

مصادیق اعمال حاکمیت

هرکدام از این کشورها مدل‌های متفاوتی را برای اعمال حاکمیت برگزیده‌اند اما همگی یک نقطه و هدف مشترک را دنبال می‌کنند؛ کنترل فضای مجازی و اعمال حاکمیت. این کشورها در اجرای قوانینی که در این راستا وضع می‌کنند به شدت سخت‌گیرانه و جدی عمل می‌کنند. در طول انتخابات ایالات متحده تمامی صفحات مجازی دونالد ترامپ به یکباره از دسترس خارج شد. در این کشور بارها مالکان شرکت‌های بزرگی همچون فیسبوک به دلیل نقض قوانین حاکمیت محاکمه شدند. در ۲۳ مهرماه اعلام شد که شبکه اجتماعی کاربایی LinkedIn به دستور چین و به دلیل عدم رعایت قوانین اجتماعیان کشور پس از ۷ سال به فعالیت

خود پایان داد. این شرکت این بار با اپلیکیشینی اختصاصی برای چین با نام InJobs و با قبول شرایط چین فعالیت خود را مجدداً آغاز کرد. ترکیه به دلیل جلوگیری از حوادث سیاسی اقدام به سانسور ویکی‌پدیا و مسدود سازی سرویس‌های ذخیره سازی ابری از جمله Google Drive کرد و... این‌ها صرفاً مثال‌هایی از اعمال حاکمیت برخی کشورها بود. امری عقلی و مشروع که اکثر کشورهای جهان برای بقای جامعه و حفاظت از شهروندان خود به آن دست می‌زنند. با این همه در کشور ما هرگونه حرکت به سمت حاکمیت مجازی با مخالفت‌های شدید مواجه بوده است و هیچ کدام از دولت‌ها بدان توجهی نکرده‌اند. در نتیجه این امر، در حال حاضر چیزی به عنوان حاکمیت مجازی (چه رسد به سایبر) در کشور وجود ندارد. مسئله‌ای که از قبل آن بارها از این دچار آسیب گشته‌ایم و بارها تیغ اعمال حاکمیت کشورهای دیگر از جمله آمریکا را چشیده‌ایم. مسئله‌ای که اگر بدان توجه نشود در سال‌های آینده با بحران‌هایی بزرگ مواجه خواهیم بود.



رسانه نظارت می‌خواهد



دنیا مردیان

عضو فعال دانشکده ارتباطات

اهمیت جایگاه صداوسیما بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اگر این سازمان مطابق با رهنمودهای انقلاب به وظایفش عمل می‌کرد، بسیاری از مشکلات کنونی دامن گیرمان نمیشد. اگر می‌خواهیم سبک زندگی اصلاح شود اصلی‌ترین جایی که این امر تحقق می‌یابد صداوسیما است. رهبری درباره الگوسازی‌های رسانه‌ای غلط، چنین بیان کرده‌اند که به شدت توجه کنید، چهره پردازی‌های منفی و ناصالح در صداوسیما انجام نگیرد من گاهی دیده‌ام انسان‌هایی که هیچ ارزش علمی و هنری ندارند در صداوسیما آنها را می‌آورند و یکی دوساعت از وقت تلویزیون را به آنها اختصاص می‌دهند و به گذشته سراپا کم ارزش او می‌پردازند و این کار الگوسازی است اما ما چه کسی را می‌خواهیم الگوی جوان‌ها قرار دهیم. اما اگر به عملکرد صداوسیما در این چند سال اخیر نگاه کنیم می‌بینیم که زمان قابل توجهی از برنامه‌های صداوسیما به همین شخصیت‌ها پرداخته می‌شود و به نظر می‌رسد صداوسیما سلبریتی محور شده‌است. باور ما این است که در نحوه سیاست‌گذاری صداوسیما باید به طور جدی بازنگری شود و این سازمان باید دست از سلبریتی بازی بردارد و در عوض الگوهای نابی

که در شأن خانواده ایرانی است معرفی کند، مثل پرداختن به زندگی شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم و بسیاری افراد برجسته و نخبگان علمی که زندگی‌شان پر از نکات آموزنده است.

حضرت آقا در طی فرمایشات‌شان اشاره کردند: «پیام‌هایی در رسانه تولید می‌شود باید آنها را مدیریت کرد زیرا ممکن است گاهی ما پیام‌های متناقض بدهیم برای مثال از یک طرف درباره عدالت اجتماعی برنامه خوبی تولید شود اما از طرف دیگر در خلال برنامه‌های دیگر این امر نقض شود مثلاً با نشان دادن خانه‌های اعیانی و اشرافی آیا واقعا وضع زندگی همه مردم این گونه است.» همچنین ایشان فرمودند: «در بحث شادی و خنده نباید به سمت ابتذال و بی‌بندوباری بروید و مراقب باشید شادی در مردم با ابتذال و لودگی و بی‌بندوباری همراه نشود و همه نوع به مردم داده می‌شود مراقب باشیم از نوع صحیح آن شادی داده شود گاهی اوقات یک لطیفه یا یک تعبیر بجا مخاطب را شاد میکند گاهی هم ممکن است یک آدم لوده با ده جور ادا در آوردن آن طور شادی را ایجاد کند شادی کردن و شادی دادن به مردم به معنای لوده‌گی نیست. باید طنزهای واقعی را تقویت کنید پرورش دهید و کمک کنید تا طنز بی‌افزینند طنز یعنی مطلب مهم و جدی را به زبان شوخی بیان کردن که در آن معنا و محتوایی هم وجود دارد. اینکه مرتب می‌گوییم نشاط بعضی‌ها خیال می‌کنند باید رقاصی را در تلویزیون و تئاتر بگذاریم تا مردم نشاط پیدا کنند معنی این نشاط نیست.»

اما با نگاهی به برنامه طنز صدا و سیما، می‌بینیم آنچه مشاهده می‌شود همین ابتذال و بی‌بندوباری است. نکته دیگری که قابل ذکر می‌باشد این است که برنامه‌های طنز بیشتر در انحصار سلبریتی‌های خاصی قرار دارند که دستمزدهای نجومی هم دریافت میکنند. باید این انحصار شکسته شود

و زمینه ورود افراد دیگر که چه بسا استعداد بیشتری هم از سلبریتی‌های حاضر داشته‌باشند را فراهم کنند.

از عناصر و ظرفیت‌های رسانه محلی نیز باید استفاده شود. شهرهای کوچکی مثل دزفول، مشهد، تبریز مجری، نویسنده و هنرمند خوب و خوش صدا دارد که برنامه‌های قشنگی اجرا میکند که انسان از حرف زدنتان لذت میبرد از این عناصر محلی حتما باید استفاده شود اما متأسفانه نه تنها از این استعداد و ظرفیت استفاده نشده بلکه انحصار در اختیار شمال شهر تهران قرار گرفته‌است و پروژه تهرانیزه شدن کشور در صدا و سیما دنبال می‌شود. حتی با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که نه تنها استعدادهای جدید ورود پیدا نمی‌کنند بلکه همان بازیگرانی که در فیلم‌ها و سریال‌ها مشغول ایفای نقش هستند کار مجری‌گری و برنامه‌سازی هم می‌کنند.

بدیهی است که اینها بخش‌های کوچکی از پیشنهادات فراوانی است که در حال حاضر به حوزه صداوسیما وجود دارد، اما اگر توصیه‌های رهبری و در ادامه آن عملکرد این سازمان را زیر نظر بگیریم می‌بینیم که در واقع به توصیه‌های رهبری چندان توجهی هم نشده‌است. اکثر مطالبات رهبری در دهه‌های هفتاد تا هشتاد بوده است آیا بیست سال زمان کمی برای اصلاح ساختارهای این سازمان است؟ به نظر بنده در بعضی حوزه‌ها نه تنها به توصیه‌های رهبری عمل نشده بلکه برعکس نیز عمل شده‌است. برای مثال نظر رهبری درباره استفاده زنان در تبلیغات این بوده که نباید از زنان استفاده ابزاری کرد و چیزی که تبلیغ می‌کنند مربوط به حوزه یک زن باشد اما آیا الان اینگونه است؟ خیر. زیرا اکنون می‌بینیم که برای تبلیغ شیرآلات تا پنجره از خانم‌ها استفاده می‌کنند. این‌ها همه نشان دهنده این است که مدیران این سازمان آنطور که باید و شاید مطیع امر رهبری نبوده‌اند.

رسا بَلَه پا رسانه؟!؟



زینب اعرابی

عضو فعال دانشکده مدیریت

در طول این چهل و اندی سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، دشمن درصدد بوده که به طرق مختلف همانند گذشته بر کشور ما مسلط شده و به استعمار و تاراج ثروت های کشورمان ادامه دهد. اقداماتی از قبیل ترور شخصیت‌ها در دهه هفتاد و جنگ هشت ساله و تحریم‌ها و همانند این‌ها برای تحقق این هدف انجام گرفته است. اما چیزی که این بین بیش از همه به چشم می‌خورد، جنگ نرم علیه ملت ماست که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومتی مستقل از شرق و غرب جان گرفته و تا امروز ادامه پیدا کرده و چه بسا پررنگ ترهم شده است.

محاصره تبلیغاتی

رسانه در جنگ نرم، مانند سلاح شیمیایی در جنگ نظامی است. سلاح شیمیایی تانک و تجهیزات را نابود نمی‌کند بلکه نیروی انسانی را از میان برمی‌دارد. از این رو در جواب به این سوال که «رسا بله یا رسانه؟!؟» پاسخ این است که رسانه ابزار مهمی است، اما اگر در دست دشمن باشد ابزار خطرناکی است. خطرناک است چرا که در ظاهر همچون پوست خوش خط و خالی هستند که مارها پوشیده اند و در باطن ابزاری برای «تسخیر روح بشر» که

به خدمت فرهنگ سلطه‌گر غرب درآمده‌اند. حرکت گمراه کننده رسانه‌ها و تبلیغات غربی از همه طرف مارا محاصره کرده‌است. این تبلیغات گسترده بعضا رسانه های داخلی رانیز تحت تاثیر قرار داده و آنان با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. دشمن با حرف های غلط، دگرگون کردن حقایق، تحلیل های نادرست، تعلیمات ناقص و خبیثانه و در یک کلام «محاصره تبلیغاتی» ایمان مردم به ویژه جوانان و نوجوانان را هدف قرار داده و متزلزل و مخدوش کند.

جهاد جوانان

هدف از انقلاب اسلامی تشکیل یک مجموعه مردمی است که بر اساس تعالیم اسلام اداره و ثمرات آن در زندگی مردم به وضوح مشاهده شود. این هدف بلند مدت با کار و تلاش تحقق می‌یابد. اما مسئله این است که ماموریت نسل جوان برای تحقق یافتن این هدف چیست؟ یکی از مسئولیت های دانشجویان و جوانان تلاش برای فهمیدن است یعنی همان تفکر. بنابراین باید این تفکر که «کشور و ملت باید به یک جامعه اسلامی به معنای واقعی کلمه مبدل شود» را الگو قرار دهند. درست فکرن، تحلیل درست شرایط و منتقل کردن این تحلیل به افراد دیگر به خصوص افراد نا آگاه رسالت دانشجویان است.

دانشجو باید سیاسی شود و فعالیت سیاسی داشته باشد. سیاسی بودن با سیاسی کاری بسیار متفاوت است. فحاشی، اهانت و جبهه گرفتن علیه مسئولان و نظام، سیاسی کاری است. دانشجو باید سیاست را بخواند، بنویسد، بگوید تا قدرت تحلیل سیاسی پیدا کند و در این بمباران تبلیغاتی فریب حربه‌های دشمن را نخورد و آگاه باشد. دانشجویان باید از ظرفیت فضای مجازی و رسانه برای انتشار افکار خود استفاده کرده و اذهان عمومی را آگاه کنند

که این آگاه سازی تنها منتهی به این کشور و ملت نمی‌شود و باید در سراسر جهان موثر واقع شود. امری که در فضای مجازی به واقع بسیار تاثیرگذار است نوآوری است. دانشجو باید برای پیش گیری از مشکلات ناشی از فضای مجازی و رسانه، ضمن حفظ و تقویت اصول اساسی انقلاب اسلامی، در شیوه‌ها، روش‌ها و عملکردها نوآوری و تحول ایجاد کند. در بخش های مختلف کشور انحرافات و مشکلاتی به چشم می‌خورد که از جمله آنها مشکلاتی در سیاست گذاری‌ها، اجرا و نظارت است که رسالت دانشجو در برخورد با این موارد

اینکه یک جوان یا دانشجو چگونه در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، علمی، سیاسی و... ظاهر می‌شود و تاثیرات خود را اعمال می‌کند. صراحت در بیان، شجاعت در اقدام، اراده و پشتکار و... براساس اصول و مبانی انقلاب اسلامی، به خوبی « لزوم چگونه بودن» دانشجو را تصریح می‌کنند و یک دانشجوی انقلابی را به منصفه ظهور می‌گذارند.

واقعیات، انکار یا کوچک نمایی موفقیت های بدست آمده توسط ما سعی در تخریب افکار عمومی دارد که تبیین درست حقایق و آگاه سازی افراد توسط دانشجویان آگاه و مسلط به مسائل روز به خوبی میتواند نابود کننده‌ی این توطئه دشمن باشد.

بودن یا نبودن مسئله نیست...

به واقع بودن یا نبودن مسئله نیست؛ مسئله چگونه بودن است. اینکه یک جوان یا دانشجو

چگونه در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، علمی، سیاسی و... ظاهر می‌شود و تاثیرات خود را اعمال می‌کند. صراحت در بیان، شجاعت در اقدام، اراده و پشتکار و... براساس اصول و مبانی انقلاب اسلامی، به خوبی « لزوم چگونه بودن» دانشجو را تصریح می‌کنند و یک دانشجوی انقلابی را به منصفه ظهور می‌گذارند. بله، چگونه بودن؟! مسئله این است.



به نظر

من این وسایل رسانه‌ای

جدید، هم یک فرصت است، هم یک

خطر است؛ فرصت از دو نظر، خطر از یک جهت. خطر

از این جهت که ممکن است این حرفها و شبه‌ها، در ذهن

جوان‌ها و در ذهن غیرجوانها اثر بگذارد و اینها را منحرف کند؛ این

جهت خطر است. اما از دو جهت فرصت است: یکی اینکه ما مطلع

میشویم که چه شبه‌هایی وجود دارد. یکی از مشکلات کار ما این است که

ما شبه‌ها را نمیشناسیم. من میبینم خیلی از آقایان محترم خب با دانشجو

مواجه‌اند، [اما] آنچه در ذهن او و در دل او میگذرد را نمیدانند. ما به برکت فضای

مجازی و این رسانه‌ی عظیم عمومی میتوانیم کشف کنیم که چه چیزهایی امروز

مطرح است؛ این یک فرصت [است] که خب فرصت بسیار باارزشی است. فرصت

دوم هم این است که از همین طریق میتوانیم شبه را برطرف کنیم و آن را ازاله

کنیم. بنابراین اینکه گفت «هر عسری دو یسر همراهش است»، اینجا این

تهدید دو فرصت همراه خودش دارد که از این دو فرصت باید حداکثر

استفاده را کرد. بنابراین ... ما کار و تلاش برای کلام را از سطح خواصی

نه‌اینکه کم بکنیم بلکه سطح عامی و عمومی را هم حتماً مورد

توجه قرار بدهیم و این، کار اساسی‌ای است که امروز لازم

است انجام بگیرد.»

۱۳۹۶/۰۳/۰۱
عزیزم

راه‌های ارتباطی با ما:

